

قدرت به وجود آمد.

ارتقای نقش منطقه‌ای ایران به ائتلاف اسرائیل و کشورهای عرب مؤثر در سیاست‌های منطقه‌ای خاورمیانه مانند عربستان، مصر، اردن و امارات متحده عربی منجر شد. چنین روندی، احساسات ضدایرانی «ائتلاف سامی» را به وجود آورد. البته در چنین فرایندی، هویت جدیدی شکل نگرفته، اما واقعیت سیاست منطقه‌ای ایران به محافظه‌کار شدن کشورهای سنتی جهان عرب منجر شده است؛ کشورهایی که برای بقای خود به همکاری با اسرائیل و ائتلاف با سیاست‌های منطقه‌ای آمریکاروی آورده‌اند.

در چنین وضعیتی ما دو بحث داریم: یکی اینکه فضای اجتماعی اسرائیل چگونه است؟ من به شما می‌گویم دچار التهاب است. یک نگرانی ذهنی پایان‌ناپذیر وجود دارد که همین فردا جنگ می‌شود. همین فردا ممکن است ایران با حزب‌الله موشک‌بزند. چنین هراسی در ذهنشان ایجاد شده است. اسرائیلی‌ها معتقدند وقتی به نیروهای ایران حمله می‌شود، ایران چنین اقداماتی را برای خودش به عنوان حق اقدام متقابل منظور می‌کند. اینجا نشان می‌دهد که فضای اجتماعی آن‌ها متزلزل است.

ساختار سیاسی اسرائیل خود را برای سطوح متفاوتی از منازعه منطقه‌ای آماده کرده است؛ به همین دلیل، قابلیت تهاجمی خود را تشدید کرده است. چنین نشانه‌هایی آثار خود را در الگوی کنش متقابل ایران و اسرائیل در محیط منطقه‌ای به جامی گذارد. این فرایند را می‌توان در اندیشه‌های محوری امنیت‌سازی اسرائیل جست‌وجو کرد، فرایندی که در دهه ۱۹۵۰ زمینه شکل‌گیری جنگ‌های منطقه‌ای اسرائیل علیه کشورهای عرب رادیکال و ناسیونالیسم عرب را فراهم آورد. چنین الگویی از کنش با اندیشه‌های موشه دایان تانتانیاها، نفتالی بنت و حتی یائیر لاپید نیز پیوند یافته است. مفهوم «امنیت مرزی و سرزمینی» را موشه دایان مطرح کرده است؛ مفهومی که همواره مورد توجه مقامات و رهبران اسرائیلی بوده است. ارزیابی‌های انجام شده بیانگر آن است که اسرائیل همواره کوشیده تا حریم امنیتی حوزه مرزی و سرزمینی خود را ارتقا دهد. به همین دلیل است که ذات اسرائیل با نشانه‌هایی از توسعه‌طلبی، تهاجم، خشونت و رویارویی با حوزه پیرامونی پیوند یافته است. خشونت و آمادگی برای تهاجم در سال‌های حکومت تانتانیاها افزایش یافته است. اسرائیل در این دوران، برای پذیرش واقعیت نوار غزه و بیت‌المقدس شرقی هیچ‌گونه تمایلی نشان نمی‌دهد.

انقلاب اسلامی ایران شکل‌بندی‌های موازنه منطقه‌ای را دگرگون کرده است. چنین فرایندی محور اصلی مشروعیت‌زدایی از سیاست قدرت اسرائیل محسوب می‌شود. اسرائیل در سال‌های گذشته توانسته است از طریق قابلیت نظامی و ابزاری خود کشورهای جهان عرب را در وضعیت ناکامی راهبردی قرار دهد. انقلاب اسلامی ایران نه تنها موازنه منطقه‌ای را دگرگون کرده، بلکه برای مشروعیت‌زدایی قدرت اسرائیل زمینه لازم را نیز فراهم ساخته است. نقش نیروهای مقاومت در مقابله با قابلیت تهاجمی اسرائیل اصلی‌ترین نشانه تغییر در موازنه قدرت و مشروعیت‌زدایی اسرائیل محسوب می‌شود.

شما برای تقویت بازدارندگی باید بتوانید از این فضا بهره بگیرید، ولی زمانی که نتوانید از آن استفاده کنید، آن فضای اجتماعی رادیکال می‌شود. باید ببینید تانتانیاها برای چه مدت نخست‌وزیر اسرائیل بود. تانتانیاها به این دلیل در دوران تاریخی گسترده‌ای به عنوان نخست‌وزیر اسرائیل ایفای نقش کرد که توانست گفتمان هراس از ایران و جبهه مقاومت را فعال کند. در این ارتباط ائتلاف‌هایی با جهان عرب شکل داد. محور اصلی ائتلاف‌سازی تانتانیاها هراس از ایران در محیط منطقه‌ای بود. تانتانیاها توانست گفتمان هراس از ایران را به نیروی ائتلاف ساز منطقه‌ای در قالب «قرارداد ابراهیم» تبدیل کند.

ائتلاف‌سازی بخشی از سازوکارهای مربوط به کنش راهبردی در برابر سیاست قدرت اسرائیل محسوب می‌شود.